



نیم‌نگاهی به کاشان و بزرگان آن

محسن معینی*

باد آباد مهین خطه کاشان که مدام
مهدوش و خرد و صنعت و بینایی بود
(ملک الشعراء بهار)

چکیده

واژه شناسی کاشان و تاریخ شکل‌گیری آن، تشیع در این شهر، در کنار معرفی عالمان این دیار اعم از فیلسوفان، مفسران، عارفان، ریاضی‌دانان، شاعران، فرهنگ‌نویسان و هنرمندان، محورهای مهم این مقاله است. نویسنده بر این عقیده است که درباره هر یک از مدخلهای مورد نظر در این موضوع می‌توان به‌طور مستقل مقاله‌ای را به رشته تحریر درآورد.

واژگان کلیدی: کاشان، دانشمندان کاشان

* عضو هیئت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی

یکی از شهرهای کهن ایران که پیشینه پرافتخاری در پرورش مفاخر فرهنگی، دینی و علمی و نیز محبت خاندان پیامبر اکرم - علیهم الصلاة والسلام - دارد، شهر کاشان است. در این مقاله به بررسی اجمالی این پیشینه پرافتخار و نیز معرفی بزرگ ترین مفاخر این شهر در علوم مختلف می پردازیم و اذعان داریم که درباره هر یک از موضوعات این مقاله می توان مقاله ای مستقل و یا حتی کتاب و کتابها نوشت.^۱ اما در این مجال اندک قصد ما آن است که نگاهی گذرا به کاشان در طول تاریخ بیفکنیم تا اهمیت این شهر تاریخی برای خوانندگان بیش از پیش مشخص شود.

□ نام کاشان

نام کاشان در بیشتر منابع کهن عربی و حتی برخی منابع فارسی، «قاسان» آمده است.^۲ البته این واضح است که اصل نام شهر، کاشان بوده و به جهت سختی تلفظ کاشان برای عرب زبانان، آن را تعریب کرده و به صورت قاسان می آورده اند، چنان که یکی از شهرهای نزدیک کاشان یعنی گلپایگان هم در عربی «جرفادقان»، یا گرگان در شمال ایران هم «جرجان» تلفظ شده است.

البته شهری هم به نام قاسان در ماوراءالنهر و منطقه ترکستان وجود داشته که در حمله ترکان خراب شده و از بین رفته است. آن شهر را در ناحیه فرغانه و اخسیکت را در ابتدای آن دانسته اند. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶ و ۴۳۰)

درباره وجه تسمیه کاشان هم اقوال زیادی نقل شده: آن را تغییر یافته کاس رود^۳، کاه فشان^۴، کی آشیان^۵، کاشانه، (سبک شناسی، ج ۱، ص ۲۶۷) و نیز مأخوذ از قبایل کهن و باستانی «کاسو» یا «کاشو» که در دوره سلطنت حمورابی در بین النهرین می زیسته اند، دانسته اند. (تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۶ - ۱۸) برخی هم نام قدیم کاشان را چهل حصاران ذکر کرده اند.^۶

□ تاریخ شکل گیری کاشان

با اینکه با تحقیقات باستان شناسی ایران شناس بزرگ «گیرشمن» ثابت شده است که قدمت شهر کاشان به دوران ماقبل تاریخ می رسد و در دوره های مختلف تاریخی، شهر کاشان هویت شهری داشته است؛ (ایران از آغاز تا اسلام، ص ۲۹، ۳۲، ۶۸ - دایره المعارف اسلام، ج ۴، ص ۶۹۴-۶۹۵) اما در برخی منابع اسلامی پیدایش این شهر را به زییده خاتون همسر هارون الرشید، خلیفه عباسی، و یا صفیه، دختر مالک اشتر، نسبت می دهند که

ظاهراً منظور آنان تجدید بنا پس از تخریب یا توسعه شهر بوده است.^۷

□ پیشینه تشیع در کاشان

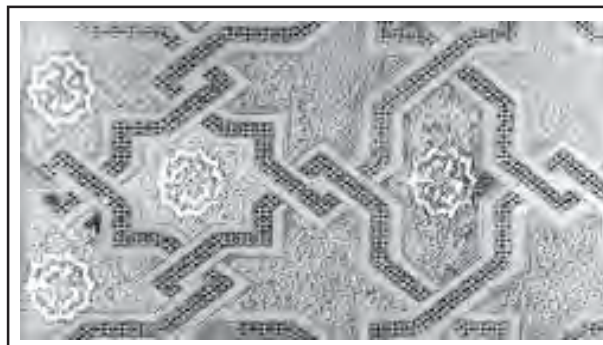
دو شهر قم و کاشان از قدیم الایام دو مرکز مهم تشیع در ایران بوده اند و بیشترین ساکنان این دو شهر را شیعیان و محبان اهل بیت پیامبر (ص) تشکیل می‌داده اند. بر خلاف این دو شهر، شهر اصفهان بوده است که اهل سنت در آن سکونت داشته‌اند و مردم آنجا بسی دیرتر از قم و کاشان به تشیع گرویده‌اند. حتی در برخی منابع، اصفهان را مرکز تجمع افراطیان ضد شیعه قلمداد کرده‌اند. (احسن التقاسیم، ص ۳۰۶ و مقامات، ص ۵۰ - ۵۱) در بسیاری از منابع کهن به تشیع مردم کاشان اشاره شده؛ یاقوت حموی و قزوینی ضمن اشاره به این مطلب گفته‌اند: «در این شهر گروهی از خاندان علوی هستند که به انتظار ظهور قائم آل محمد (ص) هر روز صبح سوار بر اسب شده با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده از شهر بیرون می‌روند چنان که گویی خبر ورود امام به آنها رسیده و چون آفتاب غروب کرد و از آمدن امام خبری نشد با تأسف برمی‌گردند تا روز دیگر که دوباره به این کار اقدام می‌کنند.» (معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۷ و آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۵۰۲ - ۵۰۳) شهرت تشیع کاشان بدان پایه بوده که جلال الدین محمد مولوی بلخی در حکایتی آورده است که اگر نام تو عمر باشد و بخواهی در شهر کاشان نانی بخری هرگز موفق نخواهی شد و هر دکانی تو را به دکان دیگر ارجاع می‌دهد؛ ولی اگر نام تو علی باشد بدون هیچ معطلی و ناله و زاری نان خواهی گرفت:

گر عمر نامی تو، اندر شهر کاش
کس بفروشد به صد دانگت لواش
چون به یک دکان بگفتی: عمرم
این عمر را نان فروشید از کرم
او بگوید: رو بدان دیگر دکان
ز آن یکی نان، به کزین پنجاه نان...
چون شنید او هم عمر، نان در کشید
پس فرستادت به دکان بعید
ور به یک دکان علی گفتی، بگیر
نان از اینجا، بی حواله و بی زحیر

(مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت های ۳۲۲۰ - ۳۲۳۰)

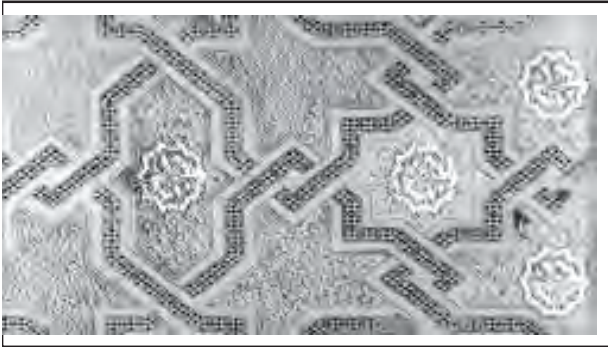
□ اصحاب امامان، محدثان و مفسران از شهر کاشان

در میان راویان، محدثان و اصحاب امامان به نام چند قاسانی برمی‌خوریم که از همین کاشان بوده‌اند، نه قاسان ترکستان؛ برای نمونه می‌توان از افراد ذیل نام برد: ابوالحسن علی



بن محمد بن شیره کاشانی (قاسانی) که فقیه و محدثی کثیرالرّوایه بوده، (الرجاله ص ۲۰۵-۲۰۶) علی بن عیسی قاسانی،^۹ محمد بن علی قاسانی،^۹ ابوالحسن علی بن سعید بن رزام قاسانی، (همان، ص ۲۵۹ و خلاصه الاقوال، ص ۱۶۸) ابو محمد عبدالرحمن بن حسن قاسانی که حافظ حدیث و مفسری نابینا بوده (الرجاله، ص ۲۳۶) و نیز عیسی که خدمتکار امام جعفر صادق (ع) بوده است.^{۱۰} (الرجاله الطوسی، ص ۲۶۶) علاوه بر اینها باید از شاعر بزرگ مرتبه شیعی، که از او دیوان شعری به زبان عربی بجای مانده و علاوه بر شاعری محدث و عالمی بزرگ نیز بوده یاد کرد؛ یعنی ابوالرضا فضل الله بن علی علوی حسینی راوندی قاسانی که در قرن ششم می زیسته و سمعانی صاحب الانساب نقل کرده که برای شنیدن حدیث از او به اصفهان رفته و گفته: «پس از اینکه حلقه در خانه او را کوبیدم، مقابل خانه او به انتظار نشستم که به ناگاه چشمم به نوشته ای گچی در سردخانه او افتاد که آیه تطهیر را بر آن نوشته بود». سمعانی از او شعری عربی نقل کرده است.^{۱۱} (الانساب، ج ۴، ص ۲۶۶) دیوان اشعار این شاعر ارجمند کاشانی به همت مرحوم سید جلال الدین محدث ارموی در تهران (۱۳۳۴ شمسی) به چاپ رسیده است.

یکی از بزرگ ترین محدثان امامیه که علاوه بر علوم نقلی در علوم عقلی نیز سرآمد اقران بوده، مرحوم ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۶ یا ۱۰۰۷/۱۹۰۷ م) است که کتاب الوافی او از کتابهای حدیث شیعه به حساب می آید. مرحوم فیض در کاشان به دنیا آمده، همان جا هم از دنیا رفته و در همان شهر مدفون شده است. وی علاوه بر حدیث، در تفسیر قرآن الصافی، الاصفی و المصفی را نوشته، در علم کلام علم الیقین فی اصول الدین، در اخلاق محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء که تهذیب و مطابق آرای شیعیان کرده کتاب احیاء علوم الدین غزالی است؛ همچنین کلمات مکنونه در اخلاق و سیر و سلوک، اصول المعارف در مباحث فلسفه و کلام و عرفان و در فقه مفاتیح الشرایع را نوشته؛ همچنین وی یکی از شاعران عارف در تاریخ ادبیات فارسی به شمار می آید که با اشعار زیبای خود بر غنای ادب عرفانی فارسی افزوده است. (تفسیر صافی - اصول المعارف - ریحانة الادب، ص ۳۶۹ - ۳۷۹ - تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۷۷ و ۳۷۹) مرحوم ملامحسن فیض که در شعر



فارسی متخلص به «فیض» و شاگرد محبوب و داماد صدرالمتالهین شیرازی، فیلسوف بزرگ، بود، هنگامی که قصد ترک کاشان و عزیمت به شیراز داشت تا نزد سید ماجد بحرینی شاگردی کند، پدرش با رفتن او مخالفت کرد و سرانجام قرار بر این شد که از قرآن و اشعار منسوب به امام علی (ع) تغال بزنند. در تغال با قرآن آیه ۱۲۳ سوره

توبه آمد که: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» (چرا از هر گروه ایشان، دسته ای سفر نکنند تا در این کار دین، دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خویش را بیم دهند، شاید آنها بترسند.) و از اشعار منسوب به حضرت علی (ع) هم ابیاتی آمد که دو بیت آن چنین است:

تغرّب عن الاوطان فی طلب العلی و سافر فقی الاسفار خمس فوائد:
تفرّج هم و اکتساب معیشتة و علم و آداب و صحبة ماجد

که ترکیب «صحابه ماجد» بسیار مناسب افتاد، زیرا فیض برای کسب فیض از سید ماجد بحرینی عازم شیراز بود. پس از این تغال پدر فیض مانع رفتن او به شیراز نشد. (ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۷۰ و تاریخ ادوارد براون، ص ۳۷۸)

قطب الدین راوندی (متوفی ۵۷۳ هـ ق) از دیگر عالمان منطقه کاشان است که تألیفاتی در فقه و تفسیر قرآن و حدیث از او برجای مانده و کتابهای او در آیات الاحکام و قصص الانبیاء از مهمترین کتابهای شیعیان در این موضوعات است. مرحوم قطب الدین راوندی در تفسیر، شاگرد مرحوم طبرسی (صاحب مجمع البیان) بوده و خود او شاگردان زیادی تربیت کرده است. کتاب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه او از جمله مهمترین شروح نهج البلاغه به حساب می آید. (ریحانة الادب، ج ۴، ص ۴۹۷ - ۴۶۹ - معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۹۷ - ۹۸)

دیگر مفسر کاشانی مرحوم مولی فتح الله بن مولی شکرالله کاشانی (متوفی ۹۸۸ هـ ق) است که علاوه بر تألیف تفسیر فارسی و بزرگ منهج الصادقین فی الزام المخالفین، در فقه و کلام نیز تبحر داشته و تفسیر بزرگ دیگری نیز به عربی با نام زبدة التفاسیر نوشته است. (هدیه العارفین، ج ۱، ص ۸۱۵ - الذریعه، ج ۴، ص ۱۲۷ و ۴۴۷ - ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۰)

مفسر مشهور دیگر کاشان مرحوم ملاحیب الله بن علی مدد بن رمضان کاشانی (متوفی ۱۳۴۰ هـ.ق) است که از شاگردان حاج سیدحسین کاشانی جد آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی و حاج ملاهادی سبزواری بوده و بر چندین سوره قرآن تفسیر نوشته است. (ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۸-۲۰- معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۱۸۷- الذریعه، ج ۴، ص ۳۳۵- ۳۴۱ و ج ۸، ص ۹۸)

◀ عرفان و تصوف

دو تن از سرآمدان و برجستگان عرفان و تصوف اسلام و ایران که میان آنان دوستی و صمیمیتی نیز وجود داشته، در شهر کاشان به دنیا آمده و بالیده اند و هر دوی آنها از شاگردان طریقت نورالدین عبدالصمدبن علی نطنزی اصفهانی (متوفی ۶۹۹ هـ.ق) که خود او نیز از نواحی کاشان بوده و نیز شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن بن شیخ نجیب الدین علی بن بزغش شیرازی (متوفی ۷۱۶ هـ.ق) بوده اند. این دو عارف و صوفی بزرگ یکی کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (متوفی ۷۳۶ هـ.ق) صاحب شرح فصوص الحکم، شرح منازل السائین و اصطلاحات الصوفیه و کتابهای دیگر است و دیگری شیخ عزالدین محمودبن علی کاشانی نطنزی (متوفی ۷۳۵ هـ.ق) صاحب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه و شرح قصیده تائیه ابن فارض با نام کشف الوجوه الغرر لمعانی نظم الدرر و ترجمه عوارف المعارف سهروردی است.

از عزالدین محمود کاشانی علاوه بر آثار فوق اشعاری نیز نقل شده که نورالدین عبدالرحمن جامی برخی از آنها را در نفحات الانس آورده و یکی از رباعیات مشهور فارسی را از او دانسته است:

دل گفتم مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن گرت بدین دسترس است
گفتم که الف، گفت: دگر، گفتم: هیچ در خانه اگر کس است یک حرف بس است^{۱۲}

◀ فلسفه و حکمت

یکی از بزرگ ترین حکمای ایران افضل الدین محمدبن حسین بن محمد خوزه مرقی کاشانی معروف به بابا افضل کاشانی، اهل مرق کاشان است و علاوه بر آثار حکمی و فلسفی که با عنوان مصنفات از او به چاپ رسیده، رباعیات زیبایی نیز به فارسی از او بر

جای مانده و به چاپ رسیده است. درباره شرح زندگانی باباافضل اطلاعات چندانی وجود ندارد و همین سرگذشت نامعلوم باعث شده است که درباره او افسانه‌هایی ساخته شود که درباره صحت و سقم همه آنها نمی‌توان به یک شکل حکم کرد. با توجه به برخی قرائن، تولد او را پیش از ۵۵۰ و وفات او را حدود سال ۶۱۰ هجری قمری دانسته‌اند. آرامگاه وی در روستای مرق در ۴۲ کیلومتری شمال غرب کاشان - با تاریخ ۹۱۲ هجری قمری - از جمله بهترین بناهای تاریخی و هنری مربوط به عصر صفوی است. از ویژگیهای بارز شخصیت باباافضل، پس از حکمت و فلسفه، بینش و سلوک عرفانی است که علاوه بر رباعیات در برخی رسائل او نیز این ویژگی قابل تشخیص است. آثار حکمی او علاوه بر آنکه حاوی مطالب فلسفی و حکمی است، از لحاظ گشودن دریچه‌ای دیگر در زبان فارسی در بعد زبان فلسفی قابل مقایسه با کمتر اثری دیگر به زبان فارسی است.^{۱۳}

◀ ریاضیات و نجوم

یکی از دانشمندان بزرگ ایران و جهان در علوم ریاضی و نجوم، غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود طبیب کاشانی (متوفی ۸۳۲ هـ) است که از شهر کاشان به این درجه بلند علمی رسیده و امروز مایه افتخار ایران و اسلام است. وی ریاضیدانی عالی رتبه، منجمی زبردست، مولفی توانا و مخترع دقیق آلات رصد بوده است. از نوشته‌های خود او برمی‌آید که در سال ۸۰۸ در کاشان بوده و به رصد پرداخته است. وی در سال ۸۲۴ به دعوت الغ بیک به سمرقند رفت و مدیر رصدخانه سمرقند شد و مورد احترام الغ بیک و ریاضیدانان بزرگ دیگری که در سمرقند می‌زیستند، بود. نامه‌ای از کاشانی در دست است که از سمرقند به پدر خود نوشته و حاوی مطالب مهمی درباره الغ بیک و رصدخانه سمرقند و خود اوست. از جمله شاهکارهای غیاث الدین جمشید کاشانی عدد (۳) یعنی محاسبه نسبت محیط دایره به قطر است و علاوه بر این، موارد دیگری در علم ریاضی و تألیف کتابهای گرانقدری از جمله: سلم السماء؛ مختصر در علم هیات؛ زیچ خاقانی؛ رساله آلات رصد؛ نزهة الحقائق در شرح آلت طبق المناطق که خود مخترع آن بود؛ تلخیص المفتاح که خلاصه کتاب مفتاح الحساب خود اوست؛ رساله محیطیه و مفتاح الحساب که آن را به مرور، تکمیل و در سال ۸۳۰ آن را به الغ بیک اهدا کرده است. وی سرانجام در ۱۹ رمضان ۸۳۲ هجری در خارج شهر سمرقند بدرود حیات گفته است.

دانشمندان و عالمان بزرگی از ایران و جهان از دوره خود کاشانی تا دوران معاصر در وصف آثار و شاهکارهای غیاث الدین جمشید سنجانی گفته اند که مرحوم ابوالقاسم قربانی برخی از آنها را در آثار خویش آورده است. (زندگینامه ریاضی دانان دوره اسلامی از سده سوم تا یازدهم هجری، ص ۳۶۵ - ۳۸۸ - کاشانی نامه) علاوه بر غیاث الدین جمشید باید از دو تن از عالمان کاشانی دیگر در رشته ریاضیات و نجوم یاد کرد: یکی عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی دانشمند و ریاضیدان کاشانی نیمه سده هشتم هجری صاحب کتابهایی چون اللباب فی الحساب و نیز ابوالحسن محمد بن احمد کاشی خضری (متوفی ۹۲۸ هـ) ریاضیدان کاشانی نام برد. (زندگینامه ریاضی دانان دوره اسلامی از سده سوم تا یازدهم هجری، ص ۳۲۲ - ۳۲۳ - شرح حال عمادالدین کاشانی و ص ۸۱ شرح حال خضری)

◀ شعر فارسی

شهر کاشان شاعران فارسی گوی بزرگی به ادبیات فارسی معرفی کرده است. جدای از مرحوم ملامحسن فیض کاشانی که ذکر او رفت، باید از شاعران بزرگ دیگری یاد کنیم که نام خویش را با اشعار زیبای خود جاودانه کرده اند، برای نمونه از کمال الدین محتشم کاشانی یاد می کنیم؛ در ۹۳۵ هجری در شهر کاشان یا نراق کاشان متولد شده و در ۹۹۶ در کاشان بدرود حیات گفته و در منزلش که خانقاه وی هم بوده دفن شده و هم اکنون بارگاه او در مرکز شهر کاشان معروف است و محله اطراف آن هم به نام محله محتشم شهرت دارد. مرحوم محتشم کاشانی با سرودن ترکیب بند مشهور خود در رثای شهیدان کربلا و حضرت اباعبدالله الحسین (ع) نام خویش را در زبان و ادبیات فارسی و علی الخصوص در ادبیات مرثیه ای، جاوید ساخت؛ چنانکه پس از او شاعران بزرگی از شیوه او پیروی کرده و اشعار زیبا و جانگدازی در رثای امام حسین (ع) و یاران باوفایش سروده اند. (ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۲۵ - ۲۳۱ - تاریخ ادبیات ایران، ص ۱۷۹ - ۱۸۱ -



مقدمه عبدالحسین نوایی بر هفت دیوان محتشم)

یکی از شاعران هم عصر محتشم کاشانی که طیب هم بود، رکن الدین مسعود کاشانی (۹۷۰ - ۱۰۶۶ هـ.ق) متخلص به رکن مسیح است که چون طیب بود، محتشم در شعری از او تقاضای مداوا کرده و سروده:

ما هلاکیم و نصیب دگران است حیات ما خرابیم و طیب دگران است مسیح
دیگر شاعران کاشانی هم عصر محتشم کاشانی که مرحوم محتشم با آنها مراوده داشته، عبارتند از: فصیح معمایی کاشانی (متوفی ۹۸۵ هـ)؛ عشقی کاشانی (متوفی ۹۶۰ هـ)؛ منصوری کاشانی (متوفی ۹۶۷ هـ)؛ ملاحامدای کاشانی (متوفی ۹۷۵ هـ)؛ مولانا مقصود کاشانی (مقتول در ۹۸۷ در یزد)؛ میر محمد هاشم کاشانی متخلص به سنجر (۹۸۱ - ۱۰۲۱ هـ) و میر معزالدین محمد کاشانی (متوفی ۹۹۰ هـ). (هفت دیوان محتشم کاشانی، جص، ص ۹۲۳)

یکی دیگر از شاعران مشهور کاشان میرزا طالب کلیم کاشانی مشهور به طالبای کلیم متخلص به کلیم است که در ۹۸۰ به دنیا آمده و در سال ۱۰۶۱ در کشمیر از دنیا رفته و در مقبره الشعراي کشمیر مدفون شده است.

کلیم کاشانی شاعر مشهور سبک هندی یا اصفهانی است که به مقام ملک الشعراي شاه جهان بزرگ ترین پادشاه سلسله گورکانیان هند رسیده و تا آخر عمرش در این مقام باقی مانده است. (مقدمه مهدی صدری بر کلیات طالب کلیم کاشانی) از دیگر شاعران مشهور کاشانی می توان از حاجی سلیمان کاشانی (متوفی ۱۲۱۲ یا ۱۲۱۸ هـ) متخلص به صباحی بیدگلی و نیز میرزا احمد صبوری کاشانی (متوفی ۱۱۹۲ شمسی) شاعر و قصیده سرای عهد فتحعلی شاه قاجار که از اجداد مرحوم ملک الشعراي بهار است، یاد کرد.

علاوه بر شاعران بزرگی که نام آنها برده شد، باید از چند شاعر کاشانی معاصر نیز یاد کنیم که شهرت آنها اکنون از بسیاری از شاعران بزرگ کلاسیک کمتر نیست. برای نمونه: زنده یادان سهراب سپهری و منوچهر شیبانی که در شعر نو پیرو نیمایوشیج بودند و دریچه‌ای نو به شعر و ادب فارسی گشودند، زنده یاد سرکار خانم سپیده کاشانی که پس از انقلاب اسلامی اشعار زیبایی درباره انقلاب و جنگ و شهیدان و امام راحل سرود که از شهرت خاصی برخوردار است و نیز شاعر گرانقدر معاصر جناب آقای عباس کی منش مشهور به مشفق کاشانی که خدایش او را به سلامت دارد و عمر طولانی عنایت فرماید.

◀ فرهنگ لغت نویسی

محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی متخلص به سروری صاحب مجمع الفرس از جمله فرهنگ نویسانی است که کتاب او در میان واژه نامه های فارسی از اهمیت بسزایی برخوردار است و کتاب خود را در سال ۱۰۰۸ تألیف کرده است. سروری کاشانی این کتاب را به امر شاه عباس اول نوشته و در آن فقط لغات فارسی دشوار را معنا کرده و از آوردن کلمات فارسی ساده و واژه های عربی پرهیز کرده است. وی برای ارائه طرز تلفظ لغات، حرکات حروف اول و دوم و سوم را تصریح کرده و نظیری از لغات مشهور آورده و از اشعار و امثال متقدمان استشهاد نموده است. (مقدمه لغت نامه دهخدا، ص ۱۹۹)

◀ تاریخ نگاری

در تاریخ نگاری فارسی باید از نجم الدین محمد بن علی بن سلیمان راوندی (متوفی ۵۹۹ هـ.ق) صاحب کتاب پراج راحة الصدور و آية السرور نام برد که علاوه بر تسلط بر علوم ادبی و دینی از دانشمندان، خطاطان و هنرمندان روزگار خود بوده است. علاوه بر خود او، خاندان او نیز به حسن خط و انواع هنر از تذهیب و تجلید و ادب عربی و فارسی معروف بوده اند. دایی او تاج الدین ابوالفضل احمد بن محمد بن علی راوندی از فقها و دانشمندان به شمار می رفته و به گفته راوندی در راحة الصدور در خط و لغت و فقه و تفسیر و حدیث و شعر فارسی و عربی استاد بوده و مدرس چند مدرسه در همدان بوده است.

راوندی در ۵۹۹ به تألیف راحة الصدور پرداخته و آن را به نام غیاث الدین کیخسرو فرزند قلیج ارسلان از پادشاهان سلجوقی روم در سال ۶۰۳ به پایان رسانده و به وسیله جمال الدین ابوبکر بن ابوالعلاء رومی که به قونیه می رفته به کیخسرو تقدیم کرده است. راحة الصدور، تاریخی فارسی درباره دوره سلجوقیان است که یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در شیوه نثر فنی نوشته شده و مشکلات و جملات عربی در این کتاب از کلیله و دمنه کمتر و موازنه و قرینه سازی جز در موارد خاص در آن به ندرت دیده می شود.^{۱۴}

یکی دیگر از مورخان کاشانی، جمال الدین ابوالقاسم بن علی بن محمد کاشانی مورخ حاسب (متوفی ۷۳۶) است که زبده التواریخ را نوشته و بخش فاطمیون و نزاریان آن را مرحوم محمد تقی دانش پژوه (تهران، ۱۳۶۶ شمسی) به چاپ رساند. مرحوم دانش پژوه در مقدمه ای که بر کتاب زبده التواریخ نوشته از دیگر آثار کاشانی نام برده که از جمله

آن‌هاست: تاریخ اولجایتو که تاریخ پادشاهی غیاث الدین سلطان محمد خدابنده، از مرگ غازان خان تا سال ۷۲۸ که آغاز پادشاهی ابوسعید است و دانشگاه تهران آن را در سال ۱۳۶۸ قمری به کوشش خانم مهین همبلی چاپ کرده و نیز کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب که آن را در محرم سال ۷۰۰ در تبریز برای رشیدالدین همدانی یا تاج الدین تبریزی نوشته این کتاب را نیز استاد ایرج افشار تصحیح و در سال ۱۳۴۵ شمسی، انجمن آثار ملی به چاپ رسانده است. در بحث از مورخان کاشان همچنین باید از شمس الدین کاشانی سراینده تاریخ منظوم مغول از آغاز دوره اساطیری و افسانه ای آن قوم تا دوره سلطان اولجایتو یاد کرد که نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.^{۱۵}

◀ هنر

شهر کاشان در زمینه هنر نیز هنرمندان و مفاخر شهیری به ایران و اسلام تقدیم کرده است. یکی از مشهورترین هنرمندان کاشانی مرحوم محمد غفاری مشهور به کمال الملک، از نقاشان هنرمند و چیره دست ایران در دوره قاجار است. کمال الملک در ۱۲۶۴ هجری قمری در کاشان متولد شد. در خانواده او نقاشان زبردست بودند و او پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل شد. پس از سه سال مورد توجه ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت و به دستور او در عمارت «بادگیر» به کار نقاشی ادامه داد و تابلوهای بسیاری ساخت و به لقب «نقاشباشی» و «کمال الملک» مفتخر گردید. در همین موقع تابلوی معروف تالار آئینه را نقاشی کرد که یکی از شاهکارهای اوست.

کمال الملک سه سال در اروپا اقامت گزید و ضمن آشنایی با آثار بزرگ‌ترین نقاشان جهان به ایران بازگشت و پس از چندی به عتبات مقدسه سفری دو ساله کرد و در سال ۱۳۲۹ مدرسه ای به نام «صنایع مستظرفه» در تهران تأسیس کرد که یکی از مهمترین مراکز تربیتی و هنری ایران بود. استاد، در سال ۱۳۰۷ شمسی از کار کناره گرفت و به ملک شخصی خود در «حسین آباد نیشابور» رفت و در مردادماه ۱۳۱۹ شمسی دارفانی را وداع گفت و در جوار مقبره «عطار نیشابوری» به خاک سپرده شد.

از دیگر نقاشان کاشانی باید از آقارضا کاشانی که در فن تصویر و چهره گشایی اعجوبه زمان بود، نام برد. اصل او کاشانی است و در دوره شاه عباس صفوی می‌زیست و مورد

توجه او قرار داشت، ولی بار سفر را به هندوستان بست و به دربار جهانگیرشاه پیوست و مورد التفات و عنایت او قرار گرفت. مصور کاشی نقاش و شاعر معروف آن دوره داماد اوست. (کارنامه بزرگان ایران، ص ۴۰۸ - ۴۱۰ (شرح حال کمال الملک) و ص ۲۳۴ - ۲۳۵ (شرح حال آقارضا کاشانی))

دیگر هنرمند کاشانی ابوالحسن میرزامحمد بن میرزا ابوالحسن بن قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی معروف به صنیع الملک (متوفی ۱۲۸۱) است که شوق و استعداد فراوانی در نقاشی داشت و در اواسط سلطنت محمدشاه قاجار به ایتالیا رفت، در آنجا به کسب هنر نقاشی پرداخت و در اواخر سلطنت محمدشاه به ایران بازگشت، در سال ۱۲۷۳ مورد تشویق ناصرالدین شاه قرار گرفت، در ۱۲۷۷ ریاست دارالطباعه دولتی به او واگذار شد و در سال ۱۲۷۸ لقب «صنیع الملک» را به او دادند و مأمور تأسیس مدرسه نقاشی شد. صنیع الملک عموی نقاش بزرگ «کمال الملک» است. (کارنامه بزرگان ایران، ص ۳۴۳ - ۳۴۴) در هنر کاشیکاری باید از ابوزید کاشانی هنرمند کاشی کار نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم هجری یاد کرد که آثار هنری وی و کاشیهای زیبای کتیبه ها و محراب حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) از آثار اوست.^{۱۶} و در هنر خوشنویسی هم از میرمعزالدین محمدحسینی کاشانی (متوفی ۹۹۵ هـ.ق) باید نام برد که به تواضع و حسن محضر مشهور بود و انواع خطوط خصوصا نستعلیق را خوش می نوشت و شعر را نیکو می سرود و معزی تخلص می کرد و در موسیقی نیز استاد بود و ساز، نیکو می نواخت. میرمعز کاشانی از خوشنویسان زبردست دوران شاه طهماسب اول و شاه عباس صفوی بود، که به هند سفر کرد و سپس به ایران بازگشت و در سال ۹۹۵ در کاشان درگذشت. خطوط او مخصوصا کتابتهای موجود او از بهترین آثار نستعلیق قرن دهم هجری است. (کارنامه بزرگان ایران، ص ۱۴۹ - ۱۵۰)

- ۱- درباره کاشان و تاریخ آن چندین کتاب نوشته شده، قدیمی‌ترین آنها مرآة قاسان یا تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی) است که به کوشش ایرج افشار ابتدا در نشریه فرهنگ ایران زمین و سپس به صورت کتاب در تهران ۱۳۳۵ شمسی توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. علاوه بر آن می‌توان از تاریخ اجتماعی کاشان تألیف حسن نراقی، تهران ۱۳۴۵ شمسی و نیز سیمای کاشان (کانون فضیلت) تألیف حبیب‌الله سلمانی آرانی، قم، ۱۳۷۵ شمسی نیز نام برد.
- ۲- برای نمونه معجم البلدان؛ یاقوت حموی؛ ج ۴، ص ۲۹۶-الانساب؛ سمعانی؛ ج ۴، ص ۴۲۷-طبقات المحدثین باصبهان؛ ابوالشیخ اصفهانی، ص ۲۳۳، ج ۳، ص ۳۰۲-ذکر اخبار اصبهان؛ ابونعیم اصفهانی؛ ج ۱، ص ۱۴، ۲۷، ۲۹، ج ۲، ص ۲۱۰، ۲۳۳-۳- در تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی و ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، ص ۱۷ آمده است؛ و گویند که قاسان دریا بوده است و آن را کاس رود خوانده‌اند.
- ۴- در تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی، ص ۶ آمده است: «زبیده خاتون را ملتمس اهل چهل حصاران مقبول افتاده فی الفور به احضار معماران و مهندسان و ارباب خبرت و وقوف حکم فرموده و بر حسب استعداد و قابلیت، همین موضع زمین را تعیین نموده و طرح برج و بارو و خندق را به همین وضعی که در نظر است در ساعت سعد که چنان که معهود است از برای علامت و آثار طول و عرض و وضع هر بنایی که یا گنج یا خاکستر ریزند، بنیاد قلعه بندی این بلد را کاه فشانند، لهذا به کاه فشان موسوم گشت و به کثرت استعمال پارسیان کاشانش گویند».
- ۵- در ایران و قضیه ایران؛ لرد کرزن؛ جلد اول، ص ۱۴ آمده است: «از آنجائی که نخستین آثار آبادانی در این ناحیه ساختمانهایی بوده که به امر پادشاهان در سرچشمه فین برافراشته شده بدین مناسبت آنجا را کی آشیان یعنی خانه و جایگاه پادشاهان گفته‌اند».
- ۶- در تاریخ کاشان، ص ۶ آمده است: «و آنچه در افواه این بلد مشهور و معروف است؛ در زمان قدیم نام این ولایت چهل حصاران بوده و قلعه بندی مخصوص نداشته».
- ۷- ضرابی در تاریخ کاشان، همانجا، آورده است: «در هنگامی که زبیده خاتون منکوحه هارون الرشید خلیفه عباسی از زمین کاشان گذر کرد در یکی از قلعه جات چهل حصاران منزل نمود و چون اهالی این حدود تازه به درجه اسلام مشرف شده بودند زبیده خاتون را خدمت کرده و مراسم تعظیم و تکریم به تقدیم رسانیدند و زبیده خاتون گفت مرا خیال آن است که در ازای خدمات شما اظهار محبت و رأفتی بنمایم... عرض کردند که چون منزل و مسکن معتبر مستحکم متینی نداریم و جمعیت ما در این جلگه متفرق است سالی چند نوبت دیلمان بر سر ما بتازند و مال و عیال ما را اسیر و دستگیر نمایند... و آنچه محقق گشته کاشان به سعی زبیده خاتون زوجه هارون الرشید بنیاد شده و پیرایه آبادی پوشیده...».
- ۸- نام او در سلسله سند چند حدیث آمده از جمله در المحاسن؛ برقی؛ ج ۱، ص ۲۲۹
- ۹- نام او در سلسله سند چند حدیث از جمله در الکافی؛ کلینی؛ ج ۱، ص ۱۰۲ آمده است.
- ۱۰- و نیز ابراهیم بن شیبیه اصفهانی از اصحاب امام جواد که اصل او از کاشان بوده و شیخ طوسی نام او را در رجال خود (ص ۳۷۳) در شمار اصحاب امام جواد آورده است.
- ۱۱- شعری که سمعانی از او نقل کرده این است:
هل لک یا مغرور من زاجر فترعوی عن جهلک الغامر
امس تقضی و غدا لم تجيء والیوم یمضی لمحہ الباصر
فذلک العمر کذا ینقضی ما أشبه الماضی بالغابر
- ۱۲- **ففحات الانس**؛ نورالدین عبدالرحمن جامی؛ ص ۴۸۲-۴۸۳ (شرح حال عزالدین محمود کاشانی) و ص ۴۸۳-۴۹۲ (شرح حال عبدالرزاق کاشانی) مقدمه مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه اثر عزالدین محمود کاشانی، نیز همایی، جلال‌الدین؛ مقدمه تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان اثر عبدالرزاق کاشانی؛ و سید محمد دامادی.
- ۱۳- مرحوم مجتبی مینوی و مرحوم یحیی مهدوی آثار و مصنفات باباافضل کاشانی را تصحیح و منتشر کرده‌اند. چاپ اول سال ۱۳۳۱ ش و چاپ دوم ۱۳۶۶ شمسی انتشارات خوارزمی، مرحوم مینوی درباره زندگی و شرح حال باباافضل نکته‌ها و تحقیقات ارزنده‌ای جمع‌آوری کرده بود که متأسفانه اجل به ایشان فرصت نداد و آن تحقیقات به چاپ نرسید. اما مرحوم زریاب خوبی مقاله‌ای مفید و ارزنده درباره باباافضل کاشانی در دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱، ص ۲۱-۲۹ نوشت. مقاله‌ای دیگر توسط مرتضی قرایی گرگانی در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۷۳۵-۷۳۹ به چاپ رسیده است. همچنین رباعیات باباافضل یکبار به ضمیمه مختصری در احوال و آثار وی به قلم سعید نفیسی، تهران ۱۳۶۳ شمسی و بار دیگر دیوان و رساله المفید للمستفید وی به کوشش مصطفی فیضی و دیگران در تهران ۱۳۶۳ شمسی به چاپ رسیده است.

- ۱۴- برای شرح حال راوندی رجوع کنید به مقدمه بدیع الزمان فروزانفر به راحة الصدور و آیه السرور به تصحیح محمد آقبال، نیز رجوع کنید به سبک شناسی، محمدتقی بهار؛ ج ۲، ص ۴۰۵-۴۰۶
- ۱۵- برای اطلاع از زبده التواریخ و ابوالقاسم کاشانی علاوه بر مقدمه دانش پژوه بر زبده التواریخ رجوع کنید به مسائل عصر ایلخانان، منوچهر مرتضوی؛ ص ۵۲۹-۵۴۴ و برای اطلاع از تاریخ منظوم شمس کاشانی رجوع کنید به مسائل عصر ایلخانان؛ ص ۵۹۰-۶۲۵
- ۱۶- برای شرح حال مفصل او رجوع کنید به دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ج ۵، ص ۵۰۶-۵۰۹

◀ فهرست منابع:

- ۱- آثار البلاد و اخبار العباد؛ زکریا قزوینی، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، چاپ میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- ۲- احسن التقاسیم، محمد مقدسی؛ بیروت: ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م
- ۳- الانساب؛ عبدالکریم بن محمد، سمعانی، چاپ عبدالله عمر بارودی، بیروت: ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م
- ۴- ایران از آغاز تا اسلام؛ رمن گیرشمن؛ ترجمه محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴ ش
- ۵- ایران و قضیه ایران؛ لرد جرج کرزن، ترجمه غ وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ ش
- ۶- تاریخ اجتماعی کاشان؛ حسن نراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- ۷- تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر؛ ادوراد براون، ترجمه بهرام مقفادی، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۵ ش
- ۸- تاریخ قم؛ حسن بن محمد بن حسن قمی؛ ترجمه حسن بن علی قمی، چاپ سید جلال الدین تهرانی، تهران: ۱۳۶۱ ش
- ۹- تاریخ کاشان یا مرآة قاسان؛ عبدالرحیم کلانتر (سهیل کاشانی)؛ ضرابی، چاپ ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش
- ۱۰- تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان؛ عبدالرزاق کاشانی؛ چاپ سیدمحمد دامادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ ش
- ۱۱- تفسیر الصافی؛ محسن فیض کاشانی، مقدمه عباس ترجمان، چاپ حسین اعلمی، قم: موسسه الهادی، ۱۳۸۱ ق
- ۱۲- خلاصه الاقوال؛ حسن بن یوسف بن علی بن مطهر علامه حلی، نجف: ۱۳۱۸ ق
- ۱۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ تهران، ۱۳۷۲ ش، (جلد پنجم)
- ۱۴- دانشنامه جهان اسلام؛ تهران، ۱۳۷۵ ش، (جلد اول)
- ۱۵- الذریعه الی تصانیف الشریعه؛ محمدحسن، آقابزرگ طهرانی، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م
- ۱۶- ذکرا اخبار اصفهان؛ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، چاپ بریل، ۱۹۳۴ م
- ۱۷- رجال الطوسی؛ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی؛ چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۸- رجال النجاشی؛ ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، چاپ سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق
- ۱۹- ریحانة الادب؛ محمدعلی مدرس تبریزی؛ تهران: خیام ۱۳۶۹ ش
- ۲۰- زبده التواریخ؛ ابوالقاسم عبدالله بن علی کاشانی، چاپ محمدتقی دانش پژوه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ ش
- ۲۱- زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم هجری؛ ابوالقاسم قربانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش
- ۲۲- سبک شناسی؛ محمدتقی ملک الشعرا بهار؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش
- ۲۳- سیمای کاشان (کانون فضیلت)؛ حبیب الله سلمانی آرائی؛ قم: بشیر، ۱۳۷۵ ش
- ۲۴- طبقات المحدثین باصفهان؛ ابوالشیخ محمد بن عبدالله بن حیان اصفهانی، چاپ عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی، بیروت: موسسه الرساله ۱۴۱۲ ق
- ۲۵- کارنامه بزرگان ایران؛ تهران، اداره کل انتشارات و رادیو، ۱۳۴۰ ش
- ۲۶- کاشانی نامه؛ تحقیق در احوال و آثار غیاث الدین جمشید کاشانی ریاضیدان و منجم بزرگ ایرانی؛ همو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ ش

- ۲۷- کلیات طالب کلیم کاشانی؛ طالب کلیم کاشانی؛ چاپ مهدی صدری، تهران: ۱۳۷۶ ش
- ۲۸- مثنوی معنوی؛ جلال الدین محمد مولوی بلخی؛ چاپ رینولد نیکلسون، تهران: امیرکبیر
- ۲۹- مجمع الفرس سروری کاشانی؛ علی اصغر حکمت؛ مقدمه لغت نامه دهخدا، تهران: ۱۳۷۷ ش
- ۳۰- مسائل عصر ایلخانان؛ منوچهر مرتضوی، تهران: آگاه، ۱۳۷۰ ش
- ۳۱- مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه؛ عزالدین محمود کاشانی، چاپ جلال الدین همایی، تهران: هما، ۱۳۷۶ ش
- ۳۲- مصنفات؛ افضل الدین مرقی کاشانی، چاپ مجتبی مینوی، یحیی مهدوی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۶ ش
- ۳۳- معجم البلدان؛ یاقوت بن عبدالله، حموی، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹/۱۹۷۹ م
- ۳۴- معجم المؤلفین؛ کحاله؛ ج ۳، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م
- ۳۵- معجم رجال الحدیث؛ آیت الله ابوالقاسم خویی، بیروت: ۱۹۹۲/۱۴۱۳ م
- ۳۶- مقامات؛ بدیع الزمان همدانی؛ بیروت، ۱۸۸۹ م
- ۳۷- نجات الانس من حضرات القدس؛ نورالدین عبدالرحمن جامی، چاپ محمود عابدی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ش
- ۳۸- هدیه العارفين؛ اسماعیل پاشا بغدادی، به همراه حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، بیروت: ۱۹۸۲/۱۴۰۲
- ۳۹- هفت دیوان؛ کمال الدین محتشم کاشانی؛ عبدالحسین نوایی و مهدی صدری، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰ ش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی